

محمد واعظزاده خراسانی

آیه‌الایات فرقانی اولین کشف الآیات

از شهاب‌الدین احمد بن محمد مدون نیشابوری

نقش قرآن در تکوین علوم

قرآن کریم، نه تنها چراغی روشن و مشعلی فروزان، جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی است و از این راه به تربیت نفوس و گسترش فضائل اخلاقی و بطور کلی بسط اعمال صالحه و خیرات، بطور خارق العاده‌ای مؤثر بوده و هست بلکه این کتاب جاویدان، در طول تاریخ خود مبدع تحول و نهضت علمی بی‌سابقه و سبب پیدایش رشته‌های مختلف علوم، گردیده است تا حدیکه باید گفت: بجز علوم دخیل (علوم اوائل) که مسلمانان، از ملل پیش از خود و یا ملتهای مجاور، اقتباس کرده‌اند، سایر علوم و دانشهای اسلامی اعم از تاریخ و علوم ادبی و شرعی و عقائد، همه بلاواسطه یا مع‌الواسطه، مقتبس و یا منبعث از قرآن است.

گو اینکه بشهادت تاریخ علم، در اسلام، توجه و عنایت مسلمین به علوم بیگانه، و حرص و ولع ایشان، در اکتساب و نشر و تحقیق و توسعه آن علوم نیز، ناشی و منبعث از قرآن بوده است که بطور نامحدود و بیدریغ، مردم را پی‌درپی به تعقل و تفکر در آثار خلقت و کنج‌کاوی از اسرار کون و تدبیر و تفقه در امور، ترغیب و تحریص نموده است.

علامه شیخ محمود شلتوت در مقدمه تفسیر خود^۱ طی بیان مبسوطی اظهار میدارد: «تاکنون سابقه ندارد هیچ کتابی تا این حد مورد عنایت پیروان خود قرار گیرد و تا این درجه در بروز و ظهور وی ریزی علوم و فنون مؤثر گردد... علوم منبعث از قرآن، دو قسم است: یک قسم، علومی که مسائل آن، مستقیماً مأخوذ از قرآن و مبین مطالب آن است: مانند علم فقه، تفسیر، عقاید، کلام...

دوم علومیکه در راه خدمت بقرآن پدید آمده از قبیل علوم ادبی عموماً (صرف، نحو، لغت، معانی، بیان، بدیع...) و پس از شرح خدمات مسلمین در این باب میگوید: مسلمانان از هر صنف و هر طبقه بنوبت خود تا حد امکان، از راه هنر و دانش خویش بقرآن خدمت کرده‌اند: عده‌ای قرآن را بخط خوش و زیبا نوشتند و حتی برای این منظور، بابتکار خط و تعلیم و تعلم آن دست زدند بعضی با تجلید و تذهیب و تزیین قرآن، برخی با ساختن کاغذهای گران بها و تهیه مرکب و قلم و نحو این امور، مراتب اخلاص و صدق عقیدت خود را باین کتاب مقدس ابراز داشته‌اند و از راههای گوناگون، در برزگداشت و تعظیم آن کوشیده‌اند و از این رهگذرها، پاره‌ای از هنرهای زیبا و صنایع ظریفه را پدید آورده‌اند...».

علوم قرآنی

یک دسته از علوم منبعث از قرآن، دانشهایی است که مستقیماً پیرامون قرآن بحث میکند و اصطلاحاً بنام «علوم قرآنی» شهرت یافته‌است. بطور اجمال، این علوم، راجع بتاریخ نزول، ترتیب نزول، تعداد سوره و آیات، تفاسیر، معانی، مرکبات، مفردات، رسم الخط، قرائت، تجوید، نامهای قرآن و سوره، محکم و

۱- این تفسیر، در مجله رساله الاسلام تدریجاً منتشر میگردد و آنچه در اینجا نقل کردیم، خلاصه و اقتباسی از گفتار شلتوت در شماره اول سال اول آن مجله است.

متشابه، ناسخ و منسوخ، قصص، اعلام، امثال، رموز و مجازات قرآن و نحو این مسائل، گفتگو میکند.

علوم قرآنی، از قرون اولیه اسلام در بین سایر علوم اسلامی، مقام و منزلتی عالی و ارجمند داشته و بهمین عنوان، جای خود را در صف علوم، باز کرده است.

ابوالفرج محمد بن اسحاق الندیم معروف به ابن‌الندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ احتمالاً) در کتاب نفیس «الفهرست» که بنا بر تصریح مکرر مؤلف در سال ۳۷۷ به تألیف آن اشتغال داشته است در فن سوم از مقاله اولی تحت عنوان «الفن الثالث من المقالة الاولى من كتاب الفهرست في اخبار العلماء و اسماء كتبهم، و يحتوي هذا الفن على نعت الكتاب الذي لا يأتیه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد و اسماء الكتب المؤلفة فيه و اخبار القراء السبعة و غيرهم و مصنفاتهم»^۲ موضوعات گوناگون وابسته بقرآن را مورد بحث قرار داده که میتوان مجموع آنها را تحت بیست عنوان مستقل درآورد و روی هم رفته حدود ۳۰۰ کتاب در رشته‌های مختلف علوم قرآنی را نام میبرد و طبعاً این کتب، آثاری است که بنظر ابن‌الندیم رسیده یا از آنها اطلاع یافته است.

علامه سیوطی، ابوالفضل جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر الشافعی (متوفی ۹۱۰ ه‍.ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» که جامعترین کتاب در این باب میباشد پس از اینکه در مقدمه کتاب، چند اثر از آثار متقدمان و معاصران خود را راجع به علوم قرآنی نام میبرد و شمه‌ای در وصف هر یک و حتی راجع به ابواب و انواع مباحث برخی از آن کتب گفتگو مینماید، کتاب خود را طی ۸۰ نوع علم، فهرست مینماید و بعلاوه تعداد بسیاری از کتب مؤلفه در رشته‌های مختلف علوم قرآنی را نام

۲- الفهرست ط مکتبه خیاط بیروت ص ۲۴۰.

میبرد. سیوطی در اثناء مباحث کتاب گاهی دیباچه و فصلی از کتب مربوط به بحث را بعین عبارت، نقل کرده است و از این حیث، بر فوائد کتاب خود افزوده است.

علامه سیوطی در بین متأخران، به حسن تألیف و جودت قریحه معروف است و تا حدود ۵۰۰ کتاب و رساله در فنون مختلف، بوی نسبت داده اند از جمله کتابی در طبقات المفسرین به رشته تحریر درآورده است که با همه اختصار در موضوع خود، بسیار مغتنم است.

بدیهی است سیوطی مانند ابن ندیم تنها آثار و مؤلفات و رشته های علوم قرآنی که تا زمان او پدید آمده بوده و وی از آنها آگاهی یافته است متعرض میشود و چه بسا آثاری وجود داشته که وی دسترسی بآنها نداشته است. کما اینکه از آن زمان تا کنون، علوم قرآنی، سیر تکاملی خود را ادامه داده و آثاری ارزنده نه تنها در آن رشته ها تدوین گردیده بلکه رشته های تازه ای بهمت دانشمندان پراکنده در کشورهای اسلامی، و بلکه در یکی دو قرن اخیر، بوسیله شرق شناسان با عرصه وجود گذارده که پیشینیان، از آن، آگاهی نداشته اند و اگر هم آگاهی داشته اند و تألیف و تصنیفی در آن باب بجای گذارده اند پیش از رواج و انتشار کامل، از بین رفته و بر دانشمندی متتبع و کنجکاو، چون علامه سیوطی پنهان مانده است.

فن کشف الایات

یکی از علوم قرآنی، که ظاهراً پیشینیان از آن، بی خبر بوده اند، فن کشف الایات نویسی است. غرض اصلی از این علم، همانطور که از نامش پیداست آنست که انسان، بدون زحمت استقراء همه آیات قرآن از اول تا آخر و بدون صرف وقت موسعی در این کار، باسانی و در اسرع وقت، آیه یا آیات مورد نظر خود را در قرآن بیابد. زیرا یافتن يك آیه در بین متجاوز از شش هزار

آیه قرآن، آنهم با کثرت نظائر و اشباه، در آیات، حتی برای حفظ قرآن، کار آسان و زود انجامی نیست و چه بسا چند ساعت وقت گرانبهای دانشمند و گوینده یا نویسنده‌ای را بگیرد.

از طرفی، احتیاج مبرم بدانستن متن صحیح آیات، با رعایت احتیاط و دقت کافی در ضبط آنها و بلکه معرفت بمضمون آیات سابق یا لاحق آیه مورد نظر، برای کلیه کسانی که با موضوعات و مسائل قرآنی و اسلامی سروکار دارند امری بدیهی است.

بعلاوه، اقتباس از کلام خداوند در نشر و نظم و خطابه، و نیز استشهاد به قرآن، در سخن و نوشته میان مسلمانان اعم از عرب و عجم رایج بوده و خود، بمنزله نمک طعام و چاشنی سخن بشمار میرفته است. و همین جهات، ضرورت چنین علمی را باعث شده و این ابتکار شایسته، مانند توجه به سایر علوم قرآنی خود حاکی از شدت اهتمام مسلمانان به قرآن و ضبط صحیح آیات آن میباشد. گرچه غرض اصلی از این فن، دست یافتن به آیات قرآن بوده اما تدریجاً و با ازهمان آغاز، بطور ضمنی، دانشمندان، هدف خود را بسط داده و کلیدی برای یافتن کلمات و حتی مطالب قرآن بدست داده‌اند و همانطور که فرهنگها و لغتنامه‌ها با اسلوبهای مختلف تحریر و تنظیم شده و هر کس، به سلیقه خود روش خاصی را اتخاذ و ابتکار نموده و بهمان کیفیت که فن لغتنامه به نوشتن دائرة المعارفهای بزرگ منتهی گردیده همچنین، کشف‌الایات نویسی در سیر خود، تفنن بسیار دیده و سرانجام، به تدوین کشف‌المطالب و دسته‌بندی آیات قرآن از لحاظ موضوع، در کتابی بنام «تفصیل آیات القرآن الحکیم» آنهم بهمت دانشمندی از غیر مسلمین^۳، منجر گردید.

۳- ژول لایوم فرانسوی اصل کتاب را نوشته و بعداً محمدفؤاد عبدالباقی آن را به عربی ترجمه نمود و بجای ترجمه، عین آیات را ذکر و بعلاوه مستدرکی بر آن اضافه کرد و اخیراً همان کتاب بضمیمه ترجمه فارسی در ایران انتشار یافته است.

کشف‌الایاتهای موجود، غالباً علاوه بر اینکه وسیله یافتن آیات میباشد، راهنمای جستن کلمات نیز هست و تقریباً کشف‌الایات، و کشف‌الکلمات، لازم و ملزوم و دارای مصداق واحد است لیکن پاره‌ای از کشف‌الایاتهای متأخر، علاوه براین، راهنمای چند تفسیر از تفاسیر معروف و مهم نیز میباشد. تاریخ تطور این علم، خود بحثی جداگانه و خارج از غرض فعلی ماست. نگارنده یادداشت‌هایی در این خصوص، تهیه کرده و امید است در آینده بصورت کتاب یا رساله‌ای منتشر شود.

قدر مسلم آنست که در فهرستهای قدمات و آثار سلف، مانند فهرست ابن ندیم اثری از این علم، مشهود نیست. علامه سیوطی هم در «الاتقان فی علوم القرآن» و همچنین حاجی خلیفه (۱۰۰۴ - ۱۰۶۸) در اثر گرانبهای خود «کشف الظنون» کتابی راجع باین فن، معرفی نکرده‌اند و ظاهراً بکلی از این رشته علم بی‌خبر بوده‌اند و تنها در «ذیل کشف‌الظنون» و «الذریعه» و «معجم المؤلفین» و برخی مآخذ متأخر دیگر، اسمی از «کشف‌الایات» برده شده و بیش از همه در «الذریعه» کتب این فن، معرفی گردیده است.

تا آنجا که اینجانب، طی فحص و تتبع نسبتاً عمیق، اطلاع یافته‌است قدیم‌ترین اثر در این باب، کتاب «آیه‌الایات فرقانی» متعلق بقرن نهم است که اینک در این مقال در صدد بحث از آن هستیم.

قبل از اطلاع از این کتاب، اینجانب تصور میکرد قدیم‌ترین اثر در این باره کتاب «کشف‌الایات» نوشته محمد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی است که چند سال قبل، نسخه خطی نفیسی از آن، در تملک بنده قرار گرفت و همان نسخه مرا به تحقیق درباره آن کتاب و مؤلف آن، و بطور کلی راجع بخاندان نصیری طوسی و تطور و سیر این علم، وادار نمود و بعد از تحقیق، معلوم شد نسخ متعددی در کتابخانه‌ها از جمله چهار نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی از این کتاب

وجود دارد. و چنین گمان می‌رود که «کشف‌الایات نصیری طوسی» برخلاف «آیه‌الایات فرقانی» پس از تألیف، بلافاصله رواج یافته و نسخ متعددی از آن، در دست‌رس ارباب فضل قرار گرفته‌است.

این کتاب، تقریباً دو قرن بعد از «آیه‌الایات» تألیف گردیده و مؤلف، تاریخ تحریر آن را در دیباچه چنین آورده‌است:

نام این نسخه و سال تاریخ «کشف‌الایات کلام‌قدس» است که برابر سال ۱۰۹۹ است گویانکه بعضی سنه تألیف آن را ۱۰۶۷ تعیین کرده‌اند و این تاریخ، با «کشف آیات» بدون «ال» و محاسبه «آ» را يك عدد درست درمی‌آید و اینجانب مقاله مفصلی راجع بآن کتاب در دست تألیف دارم. بهر حال، با وجود «آیه‌الایات» باید اذعان کرد باینکه مؤلف آن کتاب که او نیز، از دانشمندان خراسان و منسوب به «نیشابور» و ساکن «هرات» بوده، گوی سبقت را از نصیری طوسی ربوده و تا وقتی ثابت نشود که دیگری بر وی در این رشته تقدم داشته‌است باید «آیه‌الایات» را بطور مطلق، نخستین اثر و مبدا پیدایش این فن دانست. مع الوصف، ظاهراً افتخار اصطلاح «کشف‌الایات» را باید از آن نصیری طوسی بدانیم چه اینکه قبل از او کتابی باین نام نبوده و این علم هم گرچه پیش از آن، بوسیله «آیه‌الایات» قدم بعرضه وجود گذارده اما عنوان «کشف‌الایات» را پس از کشف‌الایات نصیری طوسی بخود گرفته‌است.

نصیری طوسی در دیباچه «کشف‌الایات» نامی از «آیه‌الایات» یا اثر دیگری نبرده و با اینکه با نهایت وجد و شغف، از تألیف خود توصیف و تحسین بسیار نموده، صریحاً خود را مبتکر این فن، معرفی نکرده‌است. و حقیقت امر آنست که با همه دقت در «کشف‌الایات نصیری» بر بنده معلوم نشد که آیا مؤلف از «آیه‌الایات» یا کتاب دیگری در این خصوص، اطلاع داشته یا خیر؟ در حالیکه مؤلف «آیه‌الایات» و همچنین ملاحسین کاشفی نویسنده مقدمه این کتاب شرحی که خواهیم دانست آن را اولین اثر و ابتکار در این فن دانسته‌اند و

اتفاقاً این دو دانشمند و همچنین عبدالرحمن جامی که بر آن، تقریظ نوشته این رشته را یکی از «علوم قرآنی» و طلیعه‌دانشی جدید معرفی کرده‌اند.

با توجه باین سابقه، باید اعتراف کرد باینکه این علم، نوظهور و مستحدث است و بیش از پنج قرن، از تکون آن، نمیگذرد و اگر با احتمال بعید، در قرون سالفه تألیفی در این باب بوجود آمده، آنقدر شیوع نیافته که ارباب دانش و ترجمه‌نویسان و مؤلفان فهرستها، بر آن دست یابند بلکه در حال تکون و حین انعقاد نطفه، نابود و یا مهجور گردیده‌است.

در اینجا تذکار این حقیقت هم بی‌مورد نیست که قبل از اطلاع از این دو کتاب، و تحقیق در تحول و سیر این علم، بدون جهت و صرفاً باستناد مسموعات، مرتکز بنده آن بود که مبتکر «کشف‌الایات» گوستاو فلوگل آلمانی است و با تأسف آمیخته با افتخار، این ابتکار را (که تصور میکرد حاکی از کنجکاری و دقت بیگانگان حتی در مهمترین مسائل اسلامی یعنی قرآن مجید. و عدم توجه بآن، منبعث از بی‌اعتنائی مسلمین بکتاب آسمانی خودشان است) از آن دانشمند نامبرده میدانست.

با دست‌یافتن باین دو کتاب، معلوم شد که مسلمانان خود، چند قرن پیش از فلوگل در این خصوص، کتابهای مفصل بضامت خود قرآن، نوشته‌اند و بدان وسیله حسن ابتکار و مزید اهتمام خود را نسبت بقرآن ابراز داشته‌اند. علاوه بر این پس از بررسی مقدمه «کشف‌الایات فلوگل» راز دیگری کشف شد و آن، اینکه فلوگل از کتابی بنام «نجوم الفرقان» چاپ کلکته (که بعداً مورد مطالعه بنده قرار گرفت) نام میبرد و آن را کافی برای یافتن آیات، ندانسته و لهذا خود، به تنظیم «کشف‌الایات» دست زده‌است و بعداً «کشف‌الایات فلوگل» عیناً و گاهی با تغییراتی همراه قرآن، مکرراً چاپ شده و چنان توهمی را بوجود آورده‌است.

نام «کشف‌الایات» که گفتیم میراث نصیری طوسی است و بطور کلی این

رشته‌علم، از قرآن تجاوز کرده و کسانی برای دیوانهای شعر، «کشف‌الایات» درست کرده‌اند. و اخیراً کتابهایی بنامهای «کشف نهج البلاغة»، «مفتاح كنوز السنة»، «المعجم الفهرست للحديث النبوی» و جز آنها جهت دست‌یافتن به‌خطب و روایات، ظاهراً به‌تقلید از «کشف‌الایاتها» تألیف‌گر دیده‌است که شرح هر کدام فرصت کافی لازم دارد.

معرفی آیه‌الایات فرقانی

چندسال قبل، جناب آقای ایرج افشار در مجله راهنمای کتاب (سال چهارم، شماره اول) جزء کتب خطی کمیاب شوروی که در سفر بآن سامان، بنظر ایشان رسیده بود، این کتاب را طی سطوری معرفی کرده بودند و بنده که جویای اطلاعات، در این خصوص بود توسط دانشگاه مشهد، عکس آن نسخه راتهیبه کرد و آنچه در اینجا نوشته میشود از روی آن نسخه عکسی است.

اجمال مطلب، آنکه دانشمندی بنام شهاب‌الدین احمد مدون نیشابوری ساکن «هرات» در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا (۸۷۳ - ۹۰۶) پس از سالها تحمل رنج و زحمت، موفق بابتکار فنی میشود بصورت کتاب مورد بحث. وی که معاصر عارف و دانشمند نامی عبدالرحمن جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) و ظاهراً از ارادتمندان وی و همچنین معاصر دانشمند مشهور دیگر آن عصر ملاحسین کاشفی واعظ سبزواری (متوفی حدود ۹۱۰ هـ ق) مؤلف «تفسیر حسینی» و آثار ارزنده دیگر بوده‌است، کتاب خود را بنظر جامی رسانیده و او طی تقریظ کوتاهی عمل وی را ستوده و بر آن صحه نهاده‌است. و سپس آن را بعرض پادشاه دانش‌پرور عصر سلطان حسین بایقرا رسانده و مورد قبول و مسرت خاطر وی قرار گرفته‌است و ظاهراً به اشاره آن پادشاه، کاشفی که خود، متخصص علوم قرآنی است مقدمه مبسوطی بر این کتاب نوشته و طی آن مقدمه، آنچه بدان اشاره شد بتفصیل بازگونموده‌است.

وی بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیغمبر و اشاره به سابقه و تحول علوم

قرآنی، برسم مؤلفان آن اعصار، قسمتی از دیباچه را با نظم و نثر بمدح پادشاه، اختصاص داده و آنگاه مؤلف «آیه الایات» را با تجلیل نام برده و از ابتکار ارزنده وی تقدیر مینماید و اظهار میدارد که پس از اینکه آن را از نظر همه فضلاء و دانشمندان گزرانیده، بالاخره، بنظر مولانا عبدالرحمن جامی رسانیده است و تقریظ جامی را نقل میکند. و بعداً عین خطبه و مقدمه عربی و دیباچه فارسی مؤلف را آورده، و آن قسمت از دیباچه را که مشتمل بر رموز و ترتیب و اصطلاحات کتاب است، شرح نموده است کاشفی، این شرح و مقدمه را بنا بظاهر عبارت، بامر سلطان حسین بایقرا باحاط ابهام و غموض مقدمه مؤلف، نوشته است. باین کیفیت که یک یا چند جمله از سخن مؤلف را ذکر کرده و با امثله و شواهد و ازائنه نمونه‌ای از جداول متن کتاب، آن را توضیح داده است و سخن مؤلف را با رمز «م» و سخن خود را با رمز «ش» مشخص نموده است.

مقدمه عربی مؤلف، پس از حمد و ثناء الهی و درود بر پیغمبر و یارانش، علت و کیفیت آغاز این اثر را شرح داده و از مطالعه آن، بدست می‌آید که بیچاره چه زحمتی بخود داده است و طی یازده سال ۲۶ بار آنچه بقول خود او در نتیجه تضرع و خضوع و خشوع به درگاه باری تعالی، بخاطرش رسیده بوده روی کاغذ آورده و دوباره بواسطه برخورد بنقص نوشته خود، آن را پاره کرده و کار را از سر گرفته است.

دیباچه فارسی مؤلف، مشتمل بر مقدمه و اصل و خاتمه‌ای است که کاشفی مقدمه را بدون شرح، عیناً نقل کرده است و خلاصه آن، اینکه خداوند، در قرآن وعده حفظ آن کتاب را داده و بدین جهت، رعایت نظم و ترتیب و ضبط کلمات آن، از فرائض است و بهمین جهت، نیز ائمه دین، از صدر اسلام، قرائت و کتابت قرآن را مجرد از زوائد و تخریكات به طلبه علم، تعلیم داده‌اند و نظر باینکه آیات قرآن، در کتب مختلف علوم اسلامی، مورد استشهاد و اقتباس می‌باشد، و

غالباً بعد از ثبت يك يا دو كلمه از آیات، بلفظ (الایة) اكتفا مینمایند و حتماً تمام آیات، بخاطر خوانندگان نیست و ناچار هستند که یا از قرآن تمام آیها بیابند و یا از حافظ ثقه استماع نمایند و طریق اول اولی است زیرا در اینصورت انسان از رجوع بغیر مستغنی است و این مزیت علاوه بر جنبه اخلاقی آن، آدمی را از بالاتکلیفی و معطلی هنگام عدم دسترسی بغیر نجات میدهد. پس، این قواعد و ظوابط برای تسهیل اینمنظور مرتب شده است.

و بدان وسیله میتوان معلوم داشت که آیه و حتی کلمه‌ای از آیه مورد نظر در قرآن، متعدد است یا منفرد؟ و اگر منفرد است در کجا است؟ و اگر متعدداست چندبار تکرار شده؟ و هر کدام، در کدام سوره و کدام عشر از اعشار سوره واقع است مؤلف، پس از مقدمه، تحت عنوان «اصل» بطور اجمال، به ترتیب و رموز کتاب اشاره نموده و کاشفی فقرات آن را شرح کرده است و در «خاتمه» همین امور، بتفصیل در متن مؤلف و شرح کاشفی، تکرار گردیده است.

قواعد و رموز کتاب، بقدری پیچیده و بغرنج تنظیم شده که با همه سعی بلیغ مؤلف و شارح در توضیح و شرح آنها، باز هم بسیار مبهم و مجمل است و بنده پس از چندبار مطالعه و دقت، بزحمت کلید فهم آن را بدست آوردم و شاید روش نگارش آن دو دانشمند، که بروش معمول زمان، مشحون از تکلف است در این امر، بی‌دخالت نباشد و پس از مقایسه آن کتاب، با کشف الایاتهای اخیر، مخصوصاً «المرشد» و «المعجم الفهرست» روشن میشود که «تفاوت ره از کجا است تا بکجا» و «معما چو حل گشت آسان شود» و البته ابتکار و عمل مؤلف «آیه الایات» شایان تقدیر و تجلیل است و هر کاری در آغاز، خام و ناپخته و دارای نقیصه است و تدریجاً کامل و عاری از نقص میگردد اما حق تقدم، محفوظ است همچنانکه ابن مالک در باره ابن معط و الفیه او میگوید:

و هو بسبق حائز تفضیلاً مستوجب ثنائی الجمیلاً

طبعاً این کتاب با این خصوصیت، فعلاً قابل استفاده و یا انتشار نیست لیکن مقدمه آن، که يك متن فارسی متعلق بقرن نهم اثر سده انشمنداست (که دونفر از آنها «جامی و کاشفی» در ردیف مشهورترین دانشمندان آن عصر خطه خراسان بشمار میروند و نفر سوم که همان مؤلف «آیه الایات» است یکی گمنام و ناشناخته مانده و منحصرأ از راه همین کتاب، شناخته میشود) ارزش چاپ را دارد و بهمین جهت، آن مقدمه را بضمیمه این مقاله انتشار دادیم.

ضابطه و رموز کتاب:

در «آیه الایات» مانند کشف الایاتهای بعدی از راه کلمات، بمحل آیه پی میبریم. باین کیفیت که حرف آخر کلمه دوم از هر جمله اعم از اسم و فعل و حرف، در نظر گرفته میشود و چون حرف آخر آن کلمه، یکی از ۲۹ حرف (۲۸ حرف تهجی باضافه همزه) میتواند باشد لهذا، کتاب را به ۲۹ مقصد تقسیم نموده و هر مقصد، مشتمل بر سه مطمح است: مطمح اسماء، مطمح افعال و مطمح حروف و هر مطمح، مشتمل بر پنج جدول و بتعبیر صحیح تر، پنج ستون است و بدین لحاظ جمله «شهد الله» را باید در مقصدها، مطمح اسماء پیدا کرد. و بلحاظ احترام و تعظیم خداوند «مقصدها» را مقدم داشته و آن را بلفظ «الله» آغاز کرده است.

کلمه دوم جمله را «قاعده» و حرف آخر آن کلمه را «اساس» نامیده است حروف معانی، در اول آیات و جمل مانند «فاء» و «واو» باید يك کلمه محسوب شود و همچنین، کلمه دوم، اگر يك حرف باشد همان حرف، «قاعده» و «اساس» هر دو محسوب میگردد و برای یافتن آیه، باید بمقصد آن حرف رجوع شود.

میزان، در حرف آخر کلمه، آنست که در هنگام وصل، تلفظ میشود و از اینجهت، حرف آخر کلمه بحسب موارد، فرق میکند مثلاً در «فاما من اعطی»

کلمه دوم «اما» و حرف آخر آن، الف است، ولی در «فاماالذین آمنوا» حرف آخر، هنگام وصل، «میم» است زیرا «الف» تلفظ نمیشود لهذا در جمله اول، به مقصد الف، و در جمله دوم، به مقصد میم، باید رجوع کرد.

جداول خمسه، مشتمل بر ستونهای حد اول، حد ثانی، مابه‌الامتیاز، اسامی و مواقع است:

حد اول، اشاره به حرف آخر کلمه اول جمله است که در هنگام وصل، به تلفظ درآید: مثلاً در «هدی‌الله» دال، در تلفظ، حرف آخر است نه الف. و اگر کلمه اول جمله، فقط يك حرف باشد میزان، همان است: مثلاً در «افنضرب عنکم» همزه، حد اول، محسوب میشود.

حد ثانی، اشاره به حرف اول کلمه سوم است چه آن کلمه، يك حرف باشد یا بیشتر و در اینجا و بطور کلی در همه موارد، میزان، حروف و کلماتی است که هنگام وصل، تلفظ شود.

در ستون مابه‌الامتیاز، مشخصات هریک از حدود ثانیه در صورت تعدد، معین میشود. بدین نحو که اولین حرف واقع پس از حد ثانی تا آخر جمله که فارق و ممیز آن جمله از سایر جمله‌های مشابه است در این ستون، نوشته شده است و بنا براین، اگر آن ستون خالی باشد، حاکی از آنست که آن جمله، در قرآن مشابه ندارد.

در ستون اسامی، بجای نام سوره‌ها، شماره آن، قید شده که از عدد يك تا عدد ۱۱۴ به تعداد سور قرآن بیشتر نخواهد بود و برای تسهیل امر، در آغاز کتاب، شماره سور را طی جدولی آورده است.

در ستون مواقع، رقم آیه مورد نظر را به اعشار معین کرده زیرا ظاهراً در قدیم، گذاردن شماره مسلسل آیات در هر سوره، مرسوم نبوده است بلکه آیات هر سوره را دهنده به اعشار تقسیم و در کنار صفحه، ابتدای هر عشر را معین

میکرده‌اند. حال، اگر سوره مشتمل بر آیه مورد نظر، از ده آیه کمتر باشد، ستون مواقع خالی خواهد بود، و اگر زبادت‌تر از عشر باشد رقم قید شده در آن ستون، اشاره به شماره عشری است که آیه در آن واقع است. تنها در سوره بقره که متجاوز از دو جزو است علاوه بر شماره اعشار، شماره جزو و حزب هم معین شده است و بدین جهت در ستون مواقع، سه رقم ملاحظه میشود که بترتیب شماره جزو و حزب و عشر است.

مؤلف کتاب و تاریخ تألیف

مؤلف، در مقدمه کتاب، خود را احمد شیخ محمد نیشابوری که ظاهراً صحیح آن ویا مراد از آن احمد بن شیخ محمد است و در پایان کتاب، احمد المدون النیشابوری نام میبرد. ملا حسین کاشفی در مقدمه خود، او را چنین توصیف مینماید «... جناب فضائل مآب، مبدع الافانین، مخترع القوانین، حاوی اسالیب المعقول والمعلوم، المستخرج دقایق العلوم، شهاب سماء المناقب، والمخصوص بصفة فاتبعه شهاب ثاقب، واقف غوامض الکلام، قدوة فضلاء الانام فی الایام. شعر :

و اری الامور المشکلات تمزقت^۱ ظلماتها من رانها المتوقد^۲
 شهاب ملت، برهان دین که میگرد ریاض فضل، ز فیض فضايلش نامی
 ادام الله میامن افضاله و کادَر علی المستفیدین شایب فضله و کماله . . .» .

عبد الرحمن جامی در تقریظ خود بر کتاب مورد بحث راجع به مؤلف میگوید: «... ضابطه چند که خدمت مولوی اعظمی ادام الله تعالی فضایله شهابا در تعیین مواضع آیات...». و در ظهر کتاب چنین نوشته‌اند: «کتاب آیه الایات من مصنفات مولی (کذا) المحقق والمدقق شهاب الملة والدين احمد المدون النیشابوری رحمة الله علیه و علی جمیع المسلمین» .

از مجموع این نصوص، بدست می‌آید که مؤلف «آیه الایات» احمد بن شیخ محمد مدون نیشابوری، ساکن هرات و ظاهراً ملقب به شهاب الدین است که به

رسم معمول زمان باختصار، شهابا (مانند صدرا و نعیم) معروف بوده است. و از حیث معلومات، ظاهراً مرد فاضل و جامع فنون و خوش قریحه‌ای در سطح متوسط نه در حد يك استاد محقق بشمار می‌آمده و از لحاظ سن و موقعیت اجتماعی، هنگام تألیف کتاب در رتبه شاگرد ملا عبدالرحمن جامی و ملاحسین کاشفی و سایر اساتید معروف عصر بوده و از این جهت، اثر خود را بنظر همه آنان رسانیده و مانند اکثر مؤلفان تازه کار، خواسته است کتاب خود را بکمک تقریظ اساتید، به بازار علم عرضه کند.

از مقدمه عربی مؤلف، حدود تحصیلات و سطح اطلاعات و میزان دانش وی در عربیت بدست می‌آید و ظاهراً این کتاب، اولین و شاید هم آخرین اثر او باشد اما اگر نوشته ظهر کتاب (من مصنفات مولی المحقق والمدقق) که گویا هنگام کتابت نسخه، سال ۱۰۸۳ هـ ق کتابت گردیده بطور سنجیده و حساب شده تحریر یافته باشد، حاکی از آنست که مؤلف، غیر از این کتاب، تصنیفات دیگری هم داشته و در آن تاریخ، که تقریباً دو قرن از تألیف «آیه‌الایات» می‌گذشته بعنوان «محقق ومدقق» شناخته می‌شده است.

و اما از لحاظ مذهب، طبق مذهب رایج آن روز هرات، باید از اهل سنت و جماعت باشد، مگر اینکه دلیلی بر تشیع وی بدست آید و اینکه در خطبه کتاب، پس از صلوات و سلام بر پیغمبر بجای آل، میگوید: «و اصحابه الذین رحماء بینهم ارشدها علی الکفار...» و در آخر کتاب، «و علی آل و اصحابه الذین لم یکن فی قلوبهم میل المال والجاه...» هر دو مؤید سنی بودن او است. گویا اینکه باتوجه بوضع خاص هرات و خراسان، در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا و بلکه از زمان شاهرخ یبعد، قضاوت قطعی درباره مذهب بسیاری از دانشمندان آن عصر، کار مشکلی است و آثار دو پهلوی دانشمندانی امثال جامی و کاشفی و امیر علیشیر نوائی اشکال این قضاوت را تشدید نموده است. بنظر بنده، آن دوران

و آن وضع را باید حلقه فاضل بین تشیع و تسنن ایران دانست ، و این خود نیاز به کنجکاوی و کاوشی دقیق در زوایای تاریخ مذهبی آن عصر، دارد .

از تاریخ تولد و وفات، مدت عمر، موقعیت اجتماعی، شغل، خاندان مؤلف و شرح حال وی ابتداً اطلاعاتی در دست نیست و آنچه گفته شد صرفاً به‌نصوص مندرجه در کتاب استناد دارد، و علت شهرت وی هم به مدون مجهول است . و شاید اشاره بشغل دیوانی او باشد. اما درمآخذ دیگر، اعم از آنچه راجع به هرات و حوالی آن نوشته شده مانند کتاب «روضات الجنات فی احوال مدینه هرات» یا آثار کاشفی و فرزندش مانند «لطائف الطوائف» و یا تواریخ مفصل که بعداً تألیف گردیده مانند «روضه الصفا، حبیب السیر ، تاریخ جهان آرا ، عالم آرای عباسی» و همچنین در «کشف الظنون ، الذریعه، معجم المؤلفین» و جز آنها ابتداً نامی از این دانشمند، نبرده‌اند. و این خود دلیل است که وی از دانشمندان معروف قابل ذکر هرات یا سایر بلاد خراسان نبوده و گرنه حتماً لااقل در «روضات الجنات» که همه دانشمندان و نام‌داران هرات در آن، استقصاء گردیده ذکر وی از او بزمیان می‌آمد. در لغتنامه دهخدا و برخی دیگر از کتب، چندتن بنام شهاب الدین احمد آمده اما هیچکدام بر وی قابل انطباق نمی‌باشد .

تاریخ تألیف کتاب، بنا بتصریح کاشفی در مقدمه، سنه ۸۸۵ (توفیق کار ساز) و بنا بقول مؤلف در آخر کتاب، اوائل ماه رمضان سنه ۸۹۱ در دارالسلطنه هرات می‌باشد. ظاهراً مؤلف، قبل از پاک‌نویس، کتاب خود را در سال ۸۸۵ بنظر کاشفی رسانیده و همان سال وی آن مقدمه را بر کتاب، نوشته است بعداً مؤلف ، همان نسخه یا نسخه دیگر را بطور کامل در سال ۸۹۱ تحریر کرده و نسخه موجود بواسطه یا بلاواسطه از روی نسخه اخیر دست نویس گردیده است و چون مقدمه تاشفی ، تقریظ عبدالرحمن جامی را دربر دارد پس تقریظ وی هم یا در همین سال ۸۸۵ و یا پیش از آن صدور یافته است

مشخصات نسخه آیه‌الایات .

نسخه عکسی موجود نزد اینجانب، دارای ۳۶۲ برگ است که در حدود ۱۳ برگ آن مقدمه کتاب و یک صفحه فهرست سور قرآن، و دوثلث از صفحه آخر، خاتمه کتاب و مابقی، جداول متن کتاب است که نمونه آن در کلیشه ۳ دیده می‌شود .

اصل نسخه، ظاهراً بقطع وزیر است اما در عکس، اندکی کوچکتر از آن است. مقدمه و خاتمه، کلاً حتی آیات قرآن و عبارات عربی و اشعار، با خط نستعلیق زیبا و بسیار ظریف کتابت گردیده و تنها آیات، با خط افقی مشخص شده است. اصل نوشته، خالی از اغلاطی از قبیل (المقصود الهاء!) نیست و اشعار، و همچنین متن و شرح، همه در یک ردیف میان سطور قرار گرفته و ما آنها را سر سطر، قرار دادیم. در ظهر کتاب با همان خط، اسامی فرزندان حضرت یعقوب به نقل از «روضه‌الصفاء» نوشته شده، و در گوشه صفحه با خط ناپخته‌ای نوشته‌اند «شرح آیه‌الایه (کذا) از مولانا حسین». و در ورقه سفید پشت کتاب، با خط نسخ پخته‌ای چنین نوشته شده است «کتاب آیه‌الایات من مصنفات مولی (کذا) المحقق والمدقق شهاب‌المله والدین احمد المدون النیشابوری رحمه الله علیه و علی جمیع المسلمین» و گویا این نوشته از کاتب کتاب باشد زیرا نمونه آن خط، در اثناء کتاب موجود است. و در زیر آن، کاتب کتاب، بخط نستعلیق نوشته است عدد اوراق این نسخه شریفه سیصد و پنجاه و شش است. عرض دیده شد. بنا بتصریح مؤلف در مقدمه، برخی از رموز، با جوهر سرخ نوشته شده اما در نسخه عکسی، این خصوصیت منعکس نگردیده است .

در خاتمه کتاب، بطوریکه در کلیشه ۲ دیده میشود کاتب، بعربی تاریخ فراغ را روز شنبه ۱۲ شعبان سال ۱۰۸۳ هـ ق در دارالکتب علیه‌عالیه خاقانیه واقع در بخارا به امر پادشاه آن ناحیه ابوالمظفر سید عبدالعزیز بهادرخان ضبط کرده

صفحہ اول شرح مقدمہ آیۃ الایات فرقانی بقلم ملا حسین کاشفی واعظ سبزواری

الذی	هـ	س	س	ل	ل
		ص	ل	ل	ل
		م	ل	ل	ل
	ق	ل	ل	ل	ل
ل	ل	ل	ل	ل	ل
		ج	ل	ل	ل

س	ل	ل	ل	ل	ل
م	ل	ل	ل	ل	ل
ی	ل	ل	ل	ل	ل
ب	ل	ل	ل	ل	ل
ق	ل	ل	ل	ل	ل
ج	ل	ل	ل	ل	ل

وَأَنزَلْنَاهُ فِي قُرْآنٍ مُّبِينٍ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ اقْطَعِ رَأْسَ الْوَسْوَاسِ الْغَاسِقِ الَّذِي هُوَ لَدَىٰ الْأَعْيُنِ مُعْتَرِكٌ وَسَيَعْلَمُ الَّذِي أَذْنَبَ وَأَكْتَبَ
وَكُتِبَ إِلَىٰ يَوْمِ الْحِسَابِ عَلَىٰ رَأْسِهِ السِّجَانُ وَتَعَالَىٰ عَنِ خُوشَعَةِ قَاعِهِ الْإِنْسُ وَتَنْفِيسِ الْكَلْبِ
وَعَلَىٰ أَعْيُنِهِ السِّجَانُ الَّذِي لَا يَكُنْ فِي قُبُورِهِمْ يُسَلِّعُ الْمَالُ وَحُبُّ الْمَالِ أَذَىٰ يَصُولُ الْمَالُ أَعْلَىٰ كَلِمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ فَاقْنِمْ مِثْلَ الْإِنِّ فِي جَنَّةٍ وَاجْعَلْهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ كَقَدَامَةٍ لَا مِثْلَ خَيْرِ مَا كُنْتَ بِكَ كَيْسَ عَزِيزٌ عَلَىٰ عَيْ
مَاءٍ تَسْمُ فِي قُبُورِهِمْ مِثْلَ رِيَّاتِ آيَاتٍ وَلَكِنَّ الْكَلْبَ فِي أَوَّلِ شَرِّ رَضَائِيسِهِ أَحَدِي وَتَعَسَّاهُ
بِأَرْسِلْهُ سِرَّوَاهُ وَاجْعَلْهُ عَنْ أَعْيُنِهِ وَالْأَفَاتِ وَالْأَعْيُنِ الْخَيْرِ الرَّجِي إِلَى اللَّهِ سَعَىٰ أَحْمَدُ
أَفْشَىٰ بِرِيٍّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ جَاهُ وَأَوْقَعَاتِ النِّعَمِ وَتَقْبَلُ طَعْمَ آتَاهُ وَقَامَ عَذَابُ الْيَوْمِ الْعَمِيمِ

وَمَا تَنَالِكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ

[illegible]

و خود را چنین نام میبرد: «کاتب الحروف الفقیر الی الله الغنی میر محمد بن علاء الدین^۴ الدری کرینی^۵ العراقی عفی عنهما برحمتک یا ارحم الراحمین» و بشهادت جمله «عرض دیده شد» در ظهر کتاب، و هم بقرینه کتابت این کتاب در کتابخانه نامبرده میتوان حدس زد که کاتب، کتابدار کتابخانه دربار امیر بخارا بوده است. از خصوصیات این کتابخانه اطلاعی نداریم لیکن ظاهراً آن کتابخانه، مانند سایر کتابخانه‌های گرانبهای آن نواحی، پس از دست یافتن روسیه بر آن بلاد، به کتابخانه بزرگ تاشکند یا لنینگراد منتقل گردیده و اینک این نسخه در کتابخانه لنینگراد بشماره B 357 موجود است و چه بسا کتابهای دیگری بخط همین کاتب در آن کتابخانه وجود داشته باشد.

عبدالعزیز نامبرده، پنجمین امیر از امرای سلسله «جانیه» یا «هشترخانیه» است. این سلسله، که جمعاً ده نفر بوده اند از ۱۰۰۷ تا ۱۲۰۰ هـ ق بر ترکستان و ماوراءالنهر حکمرانی نموده و بالاخره بدست امرای «منگیت» در سال ۱۲۰۰ منقرض شده اند. جد اعلای ایشان یار محمد و پسرش جان محمد است که از رؤسای «هشترخان» بوده اند و پس از تسلط روسها بر هشترخان به اسکندر شیبانی جنگیزی امیر بخارا پناه برده اند و پس از دوا جان محمد با دختر اسکندر فرزندش باقی محمد بجای خال خود عبدالله شیبانی بامارت رسید و از آن پس اخلاف وی بر آن نواحی بجای سلسله شیبانی (۹۰۶ - ۱۰۰۷) فرمان روائی نمودند و چون از طرف مادر بچنگیزخان میرسند لهذا خود را مانند سایر امراء و سلاطین خراسان و هند، چنگیزی میدانستند. و همواره با ایران و هند، روابط صلح و جنگ داشته اند.

عبدالعزیز (۱۰۵۵ - ۱۰۹۱) بزرگترین فرد این سلسله بوده و علاوه بر منصب امارت و سلطنت سمت افتاء و روحانیت هم داشته است و دوران درخشان

۴ - در نسخه (علاءالدین) نوشته شده است.

۵ - نوشته کاتب، (الدرد کرینی) هم خوانده میشود.

«جانیه» به‌وی ختم میشود زیرا پس از وی در نتیجهٔ اختلاف بین افراد این خاندان، قدرت ایشان رو بضعف نهاد و جز نامی از امیر بخارا بجای نماند، آنهم بالاخره از بین رفت. عبدالعزیز، معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) است و در پایان عمر، سلطنت را به برادر خود سبجان قلی خان واگذار کرده از راه ایران رهسپار مکه معظمه گردید و شاه سلیمان با تجلیل فراوان در کاخ چهل ستون اصفهان از او پذیرائی کرد و در حضورش جشن نوروزی برگزار نمود. داستان این امیر، مانند چندتن دیگر از امراء این سلسله بسیار حیرت انگیز است که تا قدرت داشتند با خویشان خود بر سر امارت می‌جنگیدند و جنایاتی مرتکب میشدند و در پایان، سلطنت را بر قیوب خود واگذار نموده عازم بیت‌الله الحرام و اقامت در مدینه شده همانجا مدفون میگرددند.

نکتهٔ جالب توجه، نسبت سیادت است باین امیر از یکی در نوشته کاتب آیه‌الایات (کلیشه ۳) و پس از فحص بسیار، معلوم شد علت این انتساب آنست که جد وی دین محمد در رکاب عبدالمنعم از بک هنگام هجوم او بخراسان و غارت شهر مشهد، حضور داشته و در آن شهر، سید ابوطالب بزرگ سادات رضوی مشهد از وی بگرمی پذیرائی نموده و دختر خود زهرا بیگم را به‌وی میدهد و از او میخواهد که عبدالمنعم را از قتل عام اهل مشهد منصرف سازد. از این دختر دو پسر بنامهای امامقلی و نادر (یا نظر) محمد متولد میشود که بترتیب پس از اعمام خود، بامارت میرسند و عبدالعزیز فرزند نادر محمد است و بلاحاط این مصاهره فرزندان دین محمد خود را سید می‌شمرده‌اند.

بنظر بنده اصرار ایشان به انتساب بحضرت رضا و خاندان اهل بیت اطهار علیهم السلام یک نوع رقابت با سلاطین صفویه بوده است و اینکه کاتب نسخه عبدالعزیز را بمانند سلاطین صفویه «خاقان المعظم المکرم ملجاء العرب والعجم من ربی الاسلام والمسلمین خاقان بن خاقان بن الخاقان، ابوالمظفر سید عبدالعزیز بهادر خان...»

کتاب	ع	۳	۴
و		۳۳۱	۲
م	۲۴	۳۲۹	
ع		۹	۱۵
ک		۳	۱۵
ل		۱	۶۶
نیکو	ل	۲	۳۳
ح		۲	۳۳
ن		۱	۴۷
ع	ن	۳	۹
ی		۱	۵
و		۸	۹
ب	ر	۱	۶
ط		۱	۳۳
ن		۱	۳۸
ل	ع	۱	۱۵
ط		۲	۶۶
ع		۳	۳۱
		۱	۳۵
ک		۲	۵۷
ک		۲	۹
م		۴	۳
ص		۵	۴
و	ج	۱	۶
و		۹	۱۳
ل		۵	۴
نیکو	ل	۳	۱۴
م		۲	۵۱
و		۴	۴۵
و		۳۳۲	۲

هنا مطبوع الاسماء			
ع	ع	الله	۶
خ			۶
ع	الف	۶۱	۱
	و		۱
	ی		۱
نیکو	ل		۲
نیکو	م		۳۳۱
نیکو	ش		۷
و	ک		۹
ل			۱۴
و	ر		۳
	و		۱۷
ل	الف		۳
	ک		۱۰
ع	ب		۵
نیکو	ل		۵
ک	ع		۱
ل	ک		۳۳
	ل		۳
	و		۳
	ن		۶
نیکو	خ		۸
نیکو	ع		۲
نیکو	ب		۲۱
نیکو	ع		۲
ل	م		۲
ل	و		۹

نمونه جداول کتاب آیه‌الایات فرقانی

کلیشه ۱۳ این کلیشه، صفحه اول متن کتاب است که بکلمه «الله» شروع شده است

ملقب ساخته خود مؤید این نظر است از قضاى اتفاق قطب‌الدین امپراطور مغولى هند، نیز در آن اوان بنظير همين القاب از جمله «سید» نامبرده ميشده است .
و اينك متن مقدمه آیه‌الایات را كه بقلم ملاحسين كاشفى واعظ و حاوى
تقریظ عبدالرحمن جامى و مقدمه مؤلف است پس از تصحيح، بنظر خوانندگان
میرسانیم .

۶- راجع بشرح حال این سلسله و عبدالعزيز مذکور، بـمآخذ ذیل رجوع شود: تاريخ بخارى، تأليف ارمينيوس ناميرى ، تعريب دكتور احمد محمود الساداتى، ط وزارة الثقافة والارشاد القومى مصر از صفحه ۳۶۱ بـبعد. طبقات سلاطين اسلام، تأليف استانلى لين پول ترجمه عباس اقبال از ص ۲۴۵ بـبعد. روضة الصفا. ط ۱۳۳۹ ج ۸ ص ۴۸۹. دائرة المعارف اسلامى ج ۳ ص ۴۱۴ و ۴۱۵. دائرة المعارف بصاحب لغت «جانيه» .